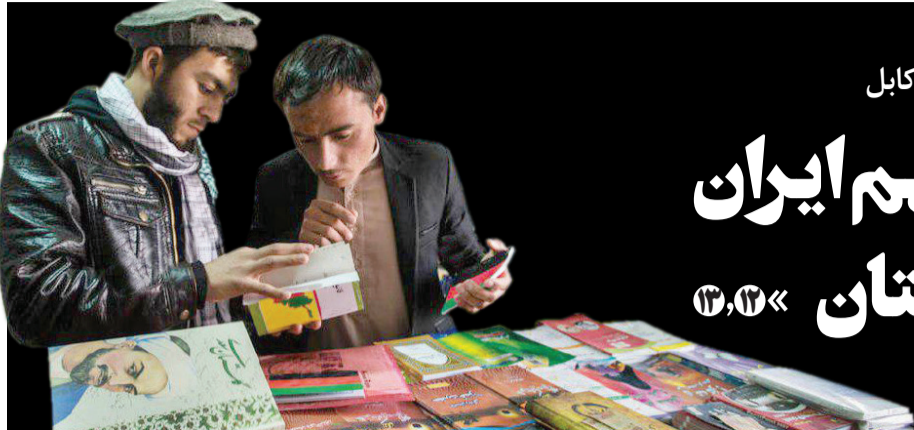


رشد بودجه دستمزد ۵۸ درصد، افزایش حقوق ۲۵ درصد

صفحه ۸ را بخوانید



ردپای فرهنگ ترکیه در کتابفروشی های کابل

کاهش ۳۰ درصدی سهم ایران از بازار نشر افغانستان

شهادت حضرت فاطمه زهرا (ع) را به عموم محبان اهل بیت تسلیت می‌گوییم
روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰ تومان

شماره مسلسل ۳۹۵۷
فصلنامه ۸ دی ۱۳۹۹
۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۲
۲۸ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۲۱۹



نایب رئیس اول مجلس در گفت و گو با «فرهیختگان»: مسئولیت تصویب بودجه فعلی را نمی‌پذیریم

مجلس در آستانه رد کلیات بودجه؟

گفت‌وگوی عضو هیات علمی دانشگاه تهران با «فرهیختگان»:

در پسا داعش کدام جریان بهتر عمل کرد؟

آنالیز برنامه‌های روز دانشجو چه می‌گوید

طبع سیاسی دانشگاه تغییر کرده است

دوقطبی واگسن خارجی-ایرانی مبنای علمی ندارد

کارشناسان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کردند

یادداشت - ۱

رگولاتور و دستگاه قضا، تداخل یا تکامل

به‌بهانه تاسیس شعبه ویژه دادگاه صوت و تصویر فراگیر

مقررات گذاری و صدور احکام تجاری از جمله این موانع بود. همین‌طور تحدید اختیارات دستگاه قضا در موارد شکایات وارد، عملاً در تناقض با حقوق اساسی شناخته می‌شد. به این موارد تهدید تعارض منافع، علاقه دولت‌ها به حفظ تصدی‌های خود و امکان مداخله سیاسی آنها را هم باید اضافه کرد.

در کشور ما اما مفهوم مدرن تنظیم‌گری عملاً با ابلاغ سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط رهبری معظم انقلاب در نیمه اول دهه ۸۰ وارد ادبیات اقتصادی شد. بدون ورود به نقد میزان و شیوه اجرای سیاست‌های فوق، آنچه مشخص است هنوز تا تحقق عملی حکمرانی تنظیم‌گرانه فاصله قابل توجهی وجود دارد.

دستگاه قضا در این بین به‌ویژه در دوره جدید ریاست قوه، ورودی قابل دفاع و پیشروانه در این مسیر داشته است. به رسمیت شناختن معدود نهاد‌های تنظیم‌گر تشکیل شده مانند شورای رقابت و ساترا و صدور بخشنامه‌های ریاست محترم قوه برای این دو نهاد^{۱۲}، پیامی واضح و در بالاترین سطح به کل نظام حقوقی کشور صادر کرد. تاکید بر صلاحیت تخصصی نهاد‌های تنظیم‌گر برای محاکم قضایی، هماهنگی کامل دادستانی کل کشور به‌عنوان مدعی‌العموم با آنها، اختصاص شعب ویژه به ارجاعات این نهادها و تعیین مرجع تجدیدنظر احکام صادره از سوی تنظیم‌گران در دستگاه قضایی از جمله رویکردهای مترقیانه قاضی‌القضات به‌مقوله لزوم اصلاح نظام حکمرانی ملی متناسب با تحولات اقتصادی و فناوریانه جامعه است؛ مسیری که تا تحقق تنظیم‌گری به‌مثابه بخشی کارا از نظام حکمرانی، نیازمند برداشتن گام‌های تکمیلی از سوی قوای مجریه و مقننه است.

در هفته جاری، اعلام تاسیس شعبه ویژه رسیدگی به جرایم رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر از این منظر قابل مدافه و برررسی است. پیش از این رویکرد همراهانه و مثال‌زدنی دادستانی کل کشور، عملاً امکان استفاده از اختیارات پیشگیرانه را به‌نحو کارا و به لحظه در اختیار نهاد تنظیم‌گر قرار داده بود. اما تعدد و تنوع وجه جرایم محتمل در عرصه همگرای^{۱۳} رسانه‌های نوین، اعم از ابعاد محتوایی، فنی، امنیتی و اقتصادی، به‌نحو ریسک‌رود محاکم متعدد را رویکرد‌های متفاوت و به این حوزه

سید صادق امامیان

رئیس‌ساز و موسس اندیشکده حکمرانی دانشگاه صنعتی شریف

در اواخر قرن ۱۹، معروف به دوران ترقی خواهی^۱، همزمان با ظهور شرکت‌های بزرگ چندملیتی در آمریکا و افزایش مناقشات تجاری و شکایات از تبعات اجتماعی آنها، قابلیت و کارایی سیستم قضایی به‌عنوان تنها راه‌حل تعارضات و کنترل تخلفات این شرکت‌ها به‌صورت جدی به‌چالش کشیده شد. گلاسیرو و شلازفیر^۲ در مقاله «ظهور دولت تنظیم‌گر»^۳ خود در سال ۲۰۰۳ عمده این ناکارایی‌ها را در چند محور خلاصه می‌کنند.

از طرفی ورود دادگاه به‌صورت پسینی^۴ و معدود و موردی و پس از طی فرآیند طولانی و پرهزینه، عملاً مانعی در مسیر تحمیل هزینه‌های گراف و خسارات اجتماعی-اقتصادی قابل توجه و گاه برگشت‌ناپذیر به جامعه و کسب‌وکارها نبود. از طرف دیگر، افزایش پیچیدگی‌های فنی و تکنیکی در کنار وقوع پررنگ‌تر و پرحجم مناقشات تجاری و رقابتی به‌صورت روزانه، اثر بازآوردگی و صلاحیت تخصصی ورود قضایی به این قبیل تخلفات روبه‌تزايد را به‌طور موثری زیرسوال برده بود.

اقبال به توسعه استفاده از نهاد‌های تنظیم‌گر به‌عنوان بخشی از پروژه اصلاح بخش عمومی^۵، پاسخی سیاستی و نهادی به این چالش محسوب می‌شد. مقررات‌گذاری پویا، سریع و تخصصی در مقابل فرآیند طولانی و پیچیده سیاسی-حقوقی قانونگذاری در پارلمان، ورود پیشینی^۶ و مداخله اجرایی^۷ در برابر رسیدگی شکایت‌محور^۸ و پرهزینه قضایی، امکان استفاده از ظرفیت بازمانده‌های بخش عمومی^۹ و حتی نهاد‌های صنفی و تخصصی در مقایسه

با انباشت پرونده‌های حرفه‌ای در دادگاه‌هایی با ماهیت عمومی و نهایتاً تمرکز بر تخلفات تجاری به‌جای توسعه جرم‌انگاری به‌عرصه‌های تخصصی از جمله مزایای توسعه «حکمرانی تنظیم‌گرانه»^{۱۰} به‌عنوان «مکمل و نه جایگزین» ورود قضایی-در پاسخ به ظهور فضای رقابتی در بین کسب‌وکارها می‌تواند بود.

در واقعیت اما چالش‌های فراوانی در مسیر استفاده از نهاد‌های تنظیم‌گر در نظام‌های حقوقی و سیاسی متفاوت قرار داشت. تعارض با اصل تفکیک قوا^{۱۱} با توجه به اعطای اختیار

یادداشت - ۲

زندان زنان قرچک از نمای نزدیک

خودنمایی می‌کرد و دسته‌ای از گنجشک‌هایی که آزادانه می‌چرخیدند. عده‌ای از خانم‌ها زیر نور آفتاب حیاط دراز کشیده بودند و حمام آفتاب می‌گرفتند؛ چند نفر دیگر هم گوشه دنجی برای خودشان پیدا کرده بودند و بساط عروسک‌سازی به راه انداخته بودند. صحنه جالبی بود.

یکی از نگهبانان زن همراهی ام می‌کرد؛ از آقای مشاور اجازه گرفته بودم که با زندانبانان حرف بزنم. از نشان پرسیدم که آیا خبر داشتند قرار است بازدیدی انجام شود؟ سوالی که بعدتر از پندهای دیگر هم پرسیدم و همه‌شان تایید کردند بی اطلاع بودند و بازدید واقعا سرزده اتفاق افتاده است. از نشان پرسیدم که آیا وسایل مورد نیاز بهداشتی در اختیارشان قرار می‌گیرد و گفتند سهمیه ماهانه خمیردندان و شامپو و... را سر ماه دریافت می‌کنند و اگر برندن آن باب میل‌شان نباشد از فروشگاه زندان برای خودشان خرید می‌کنند.

البته تقریباً همه‌شان از آب منطقه شکایت داشتند، آب شوری که برای شست‌وشو استفاده می‌کنند و لباس‌هایشان را خراب می‌کند. (بعدتر از مسئول زندان پرسیدم که آیا برنامه‌ای برای حل این معضل دارند یا خیر، او گفت پروژه یک میلیاردی برای تصفیه آب در نظر دارند و درحال رایزنی با خبرین هستند تا مشکل آب زندان برطرف شود.)

عجیب‌ترین سالتنی که دیدم، سالن مادران بود؛ مادرانی که مجرم بودند گاه به خاطر محکوم شدن به قصاص یا مبالغ سنگین کلاهبرداری، اجازه دارند کودک زیر دو سال را با خود به زندان بیاورند و سازمان زندان‌ها تمام تلاشش را کرده تا امکانات مکفی در اختیارشان بگذارد؛ پوشک بچه، سرسره‌ای برای بازی بچه‌ها، اسباب‌بازی، سرویس بهداشتی متناسب با کودکان و خیلی چیزهای دیگر. البته که دردناک است ببینی کودکی به خاطر جرم مادرش در زندان است، اما جدا بودن کودک از مادر قطعاً دردناک‌تر است؛ بماند که بچه‌ها باهم بازی می‌کردند و عین خیال‌شان هم نبود چند مقام ارشد آمده‌اند برای بازدید.

یکی از مسئولان سازمان زندان‌ها برای بچه‌ها هدیه خریده بود، اسباب‌بازی و لباس و حسایی با بچه‌ها بازی می‌کرد؛ من بهتر زده به سرسره وسط سالن خیره مانده بودم و از خودم می‌پرسیدم چقدر فرق است بین آنچه از قرچک می‌شنوم و آنچه با چشمان خود می‌بینم. البته مشکلاتی هم بود، مسائلی که بعدتر به آقای مشاور-که همچنان می‌خواهد نامش فاش نشود- منتقل کردم و قول داد پیگیری کند و تا این لحظه که گزارش را می‌نویسم از برطرف شدن چند مورد خبر دارم.

ساعت روی کفپوش سیمانی سلول‌های سردزندان راه بروم! تصور آن چیزی بود که در فیلم‌های هالیوودی از زندان دیده بودم و حالا رسیده بودم به سالتنی که با فرش‌هایی شبیه فرش خانه‌مان پوشیده شده بود. کنجکاوانه سالن را ورناند می‌کردم و اعتراف می‌کنم جا خوردم! مانند خوابگاه‌های دانشجویی بود. یک طرف تخت‌ها قرار داشت و راهروی نسبتاً عریضی که به حیاط و سرویس بهداشتی متصل می‌شد. تخت‌های فلزی، با پارچه‌های سفید و لیمویی پوشیده شده بود. با یکی، دو نفر از زندانبانان با صدای بلند سلام و علیک کردم. می‌خواستم کمی سر و صدا کنم تا بقیه‌شان هم بیدار شوند و من بتوانم برخورد مسئولان و زندانبانان را از نزدیک و با چشم خودم ببینم. طفلکی‌ها فکر می‌کردند من یکی از مسئولان هستم و خیلی تحویل می‌گرفتند.

در میان زندانبانان امنیتی دنبال چند چهره آشنا می‌گشتم، از آنهایی که هر روز خبر اوضاع وخیم‌شان را می‌شنوم؛ توانستم پیدایشان کنم. درحالی که پاس‌یاران داشتند به خانم‌ها می‌گفتند چند مسئول ارشد آمده‌اند و تمایل دارند در صورت رضایت خانم‌ها، وارد سالن شوند، چرخ‌تی‌نوی سالن زدم، تلویزیونی که به دیوار پینج شده بود، دستگاه پخش دی‌وی‌دی، کتابخانه‌ای پر از کتاب‌های شماره‌گذاری شده، دیواری که تا نیمه سنگ مرمر سفید دارد و تمیز است، یخچال‌هایی که رویشان، شاخه‌هایی از گل پتوس درون لیوان قرار داشت، بسته‌های سیگار و عروسک‌هایی که خودشان داخل کارگاه زندان دوخته بودند.

حالا دیگر ترسیم از زندان ریخته بود، با چشم‌هایی حریص همه‌جا را نگاه می‌کردم، یادداشت روی دیوار که برنامه روزانه پخش تلویزیون بود، سبدهای انار کنار یخچال، آبسردکن نوبی که هنوز به راه نیفتاده؛ می‌دانستم من از معدود خبرنگارانی هستم که به پای خودم آمده‌ام زندان و می‌توانم هر آنچه دیده‌ام را (حداقل بخشی از آنها را) گزارش کنم.

فضا آماده شد، آقایان آمدند داخل و شروع کردند به گپ‌وگفت با تک‌تک زندان حاضر. زنان مودبانه از وضعیت‌شان و از اشکالات پرونده‌ها می‌گفتند و آقایان درخواست‌ها را با حوصله می‌شنیدند و یادداشت می‌کردند که مواردی را پیگیری کنند. کم‌کم سروکله زندانبانان شناخته‌شده‌تر هم پیدا شد، متأسفانه به‌من اجازه ندادند حرف‌هایشان را بشنوم.

من هم از فرصت استفاده کردم و رفتم توی حیاط، دستگاه‌های ورزشی مشابه آنچه در پارک‌های شهری دیده‌ام، درختچه‌ای که وسط حیاط و زیر نور آفتاب

زهراتوحیدیان

روزنامه‌نگار

زودرسیده بودم و منطقه برابرم آشنا نبود. گفته بودند ساعت ۹ صبح روز جمعه، مقابل پلیس راه قرچک منتظر بمانم. دقایقی که گذشت خودروی ال ۹۰ کنارم توقف کرد؛ راننده که مشاور آقای مسئول بود از ماشین پیاده شد و سلام و احوالپرسی کرد. دلپره داشتم، رفتن به زندان بدنام زنان بیه اندازه کافی ترسناک بود، چه برسد به رکوردی ۳۰۰ نفری جان‌باختگان کرونا. به من گفتند پشت‌سرشان بروم، فهمیدم تنها زن همراه گروه من هستم.

برای اولین بار رئیس جدید سازمان زندان‌ها را از نزدیک دیدم، مردی بلندقد، خوش‌برخورد و گشاده‌رو؛ هرچند هم‌راهن او به اندازه‌ای که باید مخوف بودند. تیم دوم، دبیر ستاد حقوق بشر بود، لاغراندام با قیافه‌ای جدی، بی‌خند و حشم؛ بدون تشریفات با خودروی آقای مشاور آمده بود و حتی محافظ هم نداشت و من، تنها زن خبرنگاری که با التماس و تعهد و بند «پ» توانسته بودم خودم را به تیم تحمیل کنم.

طبیعی‌بود که دره‌های زندان بدون تعلل روی معانوان ارشد رئیس قوه قضائیه باز می‌شد و در چشم برهم‌زدنی، من، که تا به حال پایم به کلاترتری هم باز نشده بود، مقابل در ورودی زندان زنان قرچک بودم؛ ندانمگاهی که می‌گویند زنان با جرائم عمومی در آن هستند اما روزی نیست که رسانه‌ها از وضعیت اسفبار آن مطلبی نگویند.

وارد سالن زندان شدیم، سالتنی با سقف بلند، نورپردازی خوب، تابلوهای قشنگی از آبشار و جنگل و مناظری که شاید آه حسرت به دل زندانی بنشاند. نگهبانان زن که گویا پاس‌یار نام دارند با کمی دستپاچگی به مسئولان خوشامد می‌گفتند. رئیس سازمان زندان‌ها از آنها سوالاتی می‌کرد و آنها مثل دانش‌آموزی که معلم از او درس می‌پرسد، بریده‌بریده و تندتند پاسخ می‌دادند. به خواست دبیر ستاد حقوق بشر به سمت سالن زندانبانان موسوم به «امنیتی» رفتم. نگهبان گفت صبح زود است و برخی ممکن است خواب باشند و بی‌حجاب. پای آقایان مسئول لزوم که «بروید و ببینید اگر تمایل دارند ما را ببینند ما هم وارد شویم.» ملتسانه از آقای مشاور-که می‌خواهد نامش درج نشود-خواستم اجازه بدهد من داخل بروم، زندان زنان است و من هم یک خانم و محترم. بله را که گرفتم، دیدم دنبال پاس‌یار زن بارم داخل بند؛ گفتند کفش‌هایت را باید درباری چون تمام سالن مفروش است. قبل از عزیمت با خودم حساب و کتاب کرده بودم که کتانی بیوشم تا بتوانم چندین

پی‌نوشت‌ها

1. Ex-Ante
2. Glaeser and Shleifer
3. complaint-based
4. Ex-Post
5. Regulatory Governance
6. Progressive Era 1887/1917-
7. Administrative intervention
8. the rise of regulatory state
9. public departments
10. Public service reform
11. separation of powers
12. رجوع شود به بخشنامه‌های شماره ۹۰۰/۱۳۵۶۵۷/۱۰ مورخ ۱۵ تیرماه ۹۸ و بخشنامه شماره ۹۰۰/۱۷۸۴۳۹/۱۰ مورخ ۲۸ دی‌ماه ۹۸ ریاست محترم قوه قضائیه.
13. convergent